

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفت شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون

محمد حسین زاده یزدی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه



سرشناسه: حسین زاده، محمد، ۱۳۴۰-

عنوان و نام پدیدآور: معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون/ محمد حسین زاده یزدی؛ ویراستار
علیرضا تاجیک.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۴۸۶ ص. | شابک: ۵-۵۵-۶۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۶۷]-۴۷۴. | یادداشت: نمایه.

موضوع: تأویل -- Hermeneutics -- Religious aspects -- Islam -- هرمنوتیک Hermeneutics

فهم (نظریه شناخت) (Theory of knowledge) Comprehension

شناسه افزوده: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شناسه افزوده: Muassasah-i Pizhūhishī-i Hikmat va Falsafah-i Irān

شناسه افزوده: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

رده‌بندی کنگره: BD ۲۴۱ | رده‌بندی دیویی: ۱۲۱/۶۸ | شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۶۱۴۵۷۶ | اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا



معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون

محمد حسین زاده یزدی

ویراستار: علیرضا تاجیک

صفحه‌آرا: زهرا صالح نژاد

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ اول: ۱۴۰۳ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه | قیمت: ۴۴۰ هزار تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه بوستان کتاب



نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴

تلفن: ۰۵۴۴۵۰۶۶۴، نمایه: ۶۶۹۵۳۳۴۲

www.irip.ac.ir

و

قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۰

شابک: ۵-۵۵-۶۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸ | ISBN: 978-622-6331-55-5

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است.

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	۱۷
مقدمه نگارنده.....	۲۱
درآمد.....	۲۹
منطق یا معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی.....	۲۹

بخش نخست: مفاهیم کلیدی و مبانی منطق فهم

فصل اول: تعریف‌ها؛ چیستی فهم، تفسیر، گفتمان، متون، احتجاج و قواعد.....	۳۵
مقدمه.....	۳۵
تعریف فهم.....	۳۵
چیستی گفتمان، متون و قواعد.....	۳۶
تفسیر در واژه‌شناسی.....	۳۶
تفسیر در اصطلاح.....	۳۷
چیستی و مراحل تفسیر.....	۳۹
چیستی هرمنوتیک.....	۳۹
چیستی منطق فهم یا گفتمان عقلایی.....	۴۰
زیرساخت‌های منطق فهم.....	۴۲
چیستی مبانی.....	۴۲
رابطه مبانی با مبادی.....	۴۳
منطق فهم؛ اهداف.....	۴۵
منطق فهم؛ اصول یا قواعد.....	۴۶
منطق فهم؛ روش‌ها.....	۴۶
گونه‌های مبانی منطق فهم.....	۴۷
نتیجه‌گیری.....	۴۷
فصل دوم: مبانی منطق فهم (۱): مبانی روش شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و زبان‌شناختی.....	۴۹

درآمد	۴۹
مقدمه	۴۹
مبنای روش شناختی	۵۰
۱. تنوع روش‌های تحقیق و تناسب هریک با قلمرو خاص	۵۱
مبانی انسان‌شناختی	۵۲
۱. مختار و مرید بودن انسان	۵۳
۲. امکان انتقال معرفت و چگونگی آن	۵۴
۳. سرشت مشترک	۵۵
۴. هدفمندی	۵۵
۵. ذو ابعاد بودن انسان	۵۶
مبانی ارزش‌شناختی	۵۶
۱. لزوم تعهد به حقیقت و رهایی از گرایش‌ها	۵۷
۲. ابتدای معرفت‌های عملی بر معرفت‌های نظری	۵۷
۳. مفاهیم ارزشی؛ اعتباری یا حقیقی	۵۸
۴. تأثیر اعمال، حالات و ملکات بر معرفت و میزان آن	۵۸
مبانی هستی‌شناختی	۶۰
۱. تحقق واقعیات	۶۰
۲. گونه‌های هستی؛ حقیقی و اعتباری	۶۰
۳. اختصاص امتناع دور و تسلسل به هستی غیراعتباری	۶۲
مبانی زبان‌شناختی	۶۲
نتیجه‌گیری	۶۳
فصل سوم: مبانی منطق فهم (۲): مبانی معرفت‌شناختی	۶۵
مقدمه	۶۵
مبانی معرفت‌شناختی	۶۵
۱. بدهات تحقق واقعیات‌های خارجی	۶۶
۲. بدهات تحقق فی‌الجملة معرفت	۶۶
۳. تفسیر حقیقت به مطابقت ذهن با عین	۶۶
۴. امکان دستیابی به حقیقت یا گزاره مطابق با واقع	۶۷
۵. نامعقول بودن ادعای شکاکیت یا نسبی‌گرایی مطلق	۶۷
۶. آغاز معرفت‌شناسی با معرفت و مبناهایی تردیدناپذیر	۶۷
۷. تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی	۶۷
۸. تحقق جهان خارج از ذهن	۶۸
۹. ثبات حقیقت و دگرگونی معلوم	۶۸
۱۰. صدق سوپژه؛ بطلان سوپژکتیویسم	۶۹
۱۱. واقع‌گروی و امکان دستیابی به واقعیات و پدیده‌ها	۶۹
۱۲. سرنوشت ساز نبودن پارادایم‌ها در حوزه‌های معرفتی	۷۰
۱۳. آموزه معرفت‌حضور	۷۱
۱۴. منابع معرفت	۷۲
۱۵. حواس ظاهری	۷۲

۱۶	حواس باطنی
۷۳	علم حضوری؛ زیرساخت معرفت‌های حصولی
۷۴	عقل
۷۵	دلیل نقلی
۷۶	معرفت حصولی
۷۶	اقسام علم حصولی: تصور و تصدیق
۷۷	طبقه‌بندی مفاهیم یا تصورات
۷۷	مفاهیم ارزشی؛ جایگاه و اعتبار
۷۸	معیار بدهت مفاهیم
۷۸	علم حصولی؛ حقیقت تصدیق
۷۸	تصدیقات یا فضایای بدیهی و نظری
۷۹	چیستی صدق
۷۹	معیار صدق قضایای نظری
۸۱	معیار صدق قضایای بدیهی اولی
۸۱	معیار صدق گزاره‌های پایهٔ پسین
۸۲	صعود یا گسترش‌پذیری معرفتی
۸۴	قلمرو شناختنی‌ها
۸۴	مراتب معرفت
۸۵	دستاورد مبانی معرفت‌شناختی برگزیده
۸۶	نتیجه‌گیری

بخش دوم: منابع و روش‌های فهم

۸۹	فصل چهارم: روش یا روش‌های فهم
۸۹	مقدمه
۹۰	رابطهٔ روش فهم و روش تحقیق
۹۰	چیستی روش تحقیق
۹۱	خاستگاه روش تحقیق
۹۲	چگونگی برگزیدن روش تحقیق در دانش‌ها
۹۳	نسبت روش‌های تحقیق و منابع معرفت
۹۴	روش تحقیق در منطق فهم
۹۵	مسائل اصلی پژوهش و روش‌های تحقیق
۹۷	روش پژوهش در علوم اجتماعی و انسانی
۹۹	رابطهٔ تبیین و تفسیر
۱۰۱	منطق فهم؛ مجرای تفسیر یا تبیین
۱۰۱	نتیجه‌گیری
۱۰۳	فصل پنجم: روش‌شناسی فهم
۱۰۳	مقدمه
۱۰۴	روش پژوهش در علوم اجتماعی و انسانی

۱۰۵ الف) روش پراگماتیک
۱۰۶ فهم و تبیین؛ بیانگر تمایز هرمنوتیک و پراگماتیک
۱۰۷ ب) روش هرمنوتیک
۱۰۸ هرمنوتیک کلاسیک
۱۱۰ هرمنوتیک مدرن یا رمانتیک
۱۱۱ ابعاد و مراحل تفسیر در هرمنوتیک مدرن
۱۱۲ تمایز حدس و مقایسه
۱۱۳ دیلتای و بازسازی دوباره تجربه مؤلف
۱۱۳ نقش دیلتای در شیوع روش Verstehen
۱۱۴ دیلتای و گسترش قلمرو هرمنوتیک مدرن
۱۱۵ قلمرو هرمنوتیک؛ نظریه برگزیده
۱۱۵ دیلتای و جداسازی قلمرو علوم طبیعی از علوم انسانی
۱۱۶ تفاوت دیلتای با شلایرماخر در هدف تفسیر
۱۱۶ تعمیم بیشتر سنت هرمنوتیک از سوی ریکوئر و گیرتز
۱۱۸ حوادث تاریخ و گستره تفسیر
۱۱۸ وجه اشتراک هرمنوتیک کلاسیک با هرمنوتیک رمانتیک
۱۱۹ نتیجه‌گیری
۱۲۱ فصل ششم: روش شناسی فهم؛ آموزه‌های هرمنوتیک فلسفی
۱۲۱ مقدمه
۱۲۲ هرمنوتیک فلسفی از نگاه هیدگر
۱۲۲ ۱. چگونگی تحقق فهم
۱۲۳ ۲. وجودی و هرمنوتیکی بودن فهم
۱۲۳ ۳. تقدم فهم بر تفسیر
۱۲۳ ۴. ابتدای فهم بر پیش فرض یا پیش ساختار
۱۲۳ ۵. سه‌لایه‌ای بودن پیش ساختار
۱۲۴ ۶. معنا؛ پیامد فهم
۱۲۵ ۷. خودداری از فهم و تفسیر نادرست
۱۲۵ ۸. دور هرمنوتیکی
۱۲۵ ۹. سیال بودن فهم
۱۲۶ فهم یا تفسیر از نگاه گادامر
۱۲۶ ۱. آمیختگی فهم با تفسیر
۱۲۶ ۲. نقش پیش‌داوری در فهم
۱۲۷ ۳. امتزاج افق‌های فهم
۱۲۷ ۴. تولیدی و مفسر‌محور بودن فهم
۱۲۸ ۵. زمانی و تاریخی بودن فهم
۱۲۹ ۶. متأثر بودن فهم از سنت
۱۲۹ ۷. کاربردی بودن فهم
۱۲۹ ۸. پرهیز از بدفهمی
۱۳۰ ۹. حذف زمینه تاریخی

۱۳۰	۱۰. بی‌انتهایی روند تفسیر.....
۱۳۰	بررسی هرمنوتیک فلسفی.....
۱۳۱	روش‌شناسی فهم از نگاه هرمنوتیک فلسفی.....
۱۳۲	جریان‌شناسی منطق فهم.....
۱۳۴	نتیجه‌گیری.....

بخش سوم: فهم، زبان، معنا و پیش‌فرض

۱۳۹	فصل هفتم: حقیقت یا چیستی معنا.....
۱۳۹	مقدمه.....
۱۴۰	تعریف معنا.....
۱۴۰	تحقق معنا و دلیل آن.....
۱۴۰	انکار تحقق معنا.....
۱۴۱	نظریه‌ها در باب چیستی معنا.....
۱۴۱	نظریه برگزیده.....
۱۴۲	۱. تعریف لفظ، معنا، مفهوم و مدلول.....
۱۴۵	۲. محکی و مفهوم و نسبت آنها با معنا.....
۱۴۸	۳. رابطه حکایت و علم حصولی.....
۱۵۳	۴. چگونگی مطابقت یا واقع‌گرایی.....
۱۵۶	۵. تعریف یا حد اسمی.....
۱۵۷	تقریر نظریه برگزیده.....
۱۶۰	دستاورد نظریه برگزیده.....
۱۶۱	نتیجه‌گیری.....
۱۶۳	پیوست‌ها.....
۱۶۳	پیوست ۱: ارتباط معنا و محکی با نفس الامر.....
۱۶۳	پیوست ۲: متعلق امر و نهی.....
۱۶۵	فصل هشتم: زبان؛ معناداری، کارکردها و واقع‌نمایی.....
۱۶۵	پیش‌درآمد.....
۱۶۵	مقدمه.....
۱۶۷	کارکردهای گوناگون زبان.....
۱۶۷	طبقه‌بندی کارکردهای گوناگون زبان از نگاه برگزیده.....
۱۷۰	کاربرد جملات اخباری در انشا.....
۱۷۰	معرفت بخشی گزاره‌ها.....
۱۷۲	صدق یا کذب زبان.....
۱۷۳	معنا، حکایت‌گری و واقع‌نمایی.....
۱۷۴	معیار معناداری.....
۱۷۵	نتیجه‌گیری.....
۱۷۹	فصل نهم: رابطه فهم یا هرمنوتیک با معنا؛ قصدی یا غیرقصدی بودن معنا.....
۱۷۹	مقدمه.....

۱۷۹	نقش قصد مؤلف در معنای متن.....
۱۸۱	چیستی حالت التفاتی.....
۱۸۲	هوسرل و حیث التفاتی.....
۱۸۴	رابطه آگاهی و حیث التفاتی.....
۱۸۴	پيامدهای قصدی دانستن معنای متن.....
۱۸۵	معیار اعتبار تفسیر.....
۱۸۵	قصدی بودن معنا از نگاه فلسفه زبان.....
۱۸۵	نظریه برگزیده.....
۱۸۶	پیوند قصدی بودن با تعیین معنایی.....
۱۸۷	استعمال لفظ در بیش از یک معنا.....
۱۸۸	نتیجه‌گیری.....

فصل دهم: طبقه‌بندی نظریه‌های هرمنوتیکی و تبیین نظریه هرمنوتیکی برگزیده؛ اصول و دستاوردها..... ۱۹۱

۱۹۱	مقدمه.....
۱۹۲	مفسر محوری.....
۱۹۳	متن محوری.....
۱۹۳	مؤلف محوری.....
۱۹۴	مؤلف و متن محوری.....
۱۹۵	نظریه برگزیده.....
۲۰۳	دستاورد شاخص دیدگاه برگزیده.....
۲۰۴	اصول هرمنوتیکی دیدگاه برگزیده.....
۲۰۴	اصل نخست: تمایز متون و آثار هنری.....
۲۰۵	اصل دوم: تمایز متون مبین و نامبین.....
۲۰۸	اصل سوم: پرهیز از تفسیر به رأی و پیش‌داوری.....
۲۰۹	دستاوردهای نظریه برگزیده در باب فهم متن.....
۲۱۴	نتیجه‌گیری.....

فصل یازدهم: نقش متون در ساماندهی فهم از نگاه نظریه هرمنوتیکی برگزیده..... ۲۱۷

۲۱۷	مقدمه.....
۲۱۸	وضع.....
۲۲۰	گونه‌های پیوند لفظ و معنا.....
۲۲۲	مؤلف و گزینش واژگان.....
۲۲۲	حقیقت استعمال یا کاربرد.....
۲۲۴	دلالت لفظی.....
۲۲۵	تقسیم‌های دلالت لفظی.....
۲۲۶	دلالت تصویری و تصدیقی.....
۲۲۶	تعیین یا عینیت معنای متن.....
۲۲۸	استقلال متن از مؤلف.....
۲۲۸	نتیجه‌گیری.....

فصل دوازدهم: نقش اراده مؤلف در ساماندهی و فهم متن؛ ابتدای فهم یا دلالت بر اراده یا نیت ۲۳۱

۲۳۱.....	مقدمه
۲۳۲.....	پیشینه
۲۳۵.....	ابن سینا و ابتنای دلالت بر اراده
۲۳۷.....	گفت‌وگویی علامه حلی و محقق طوسی
۲۴۰.....	دلالت تصویری و تصدیقی
۲۴۰.....	۱. چیستی دلالت از نگاه منطق
۲۴۱.....	۲. تقسیم دلالت به تصویری و تصدیقی
۲۴۲.....	بازگشت به مسئله اصلی
۲۴۴.....	استدلال محقق طوسی بر ابتنا
۲۴۷.....	ابتنای دلالت بر اراده از نگاه دانش اصول
۲۵۰.....	ارزیابی گونه‌های دلالت تصدیقی
۲۵۰.....	تمایز دلالت تصویری و تصدیقی
۲۵۱.....	پیامد مسئله مورد بحث در مؤلف یا متن محوری
۲۵۳.....	نتیجه‌گیری
۲۵۵.....	فصل سیزدهم: جایگاه یا نقش ویژگی‌های مفسر، متن و مؤلف در فهم متون
۲۵۵.....	مقدمه
۲۵۶.....	نقش پیش‌دانسته‌ها و گرایش‌های مفسر
۲۵۷.....	ویژگی‌های متن، مؤلف و مخاطب و نقش آنها در فهم
۲۵۷.....	۱. ویژگی‌های مؤلف و نقش آنها در فهم
۲۵۹.....	نقش آهنگ کلام مؤلف در فهم
۲۶۰.....	۲. ویژگی‌های مخاطب و نقش آنها در فهم
۲۶۱.....	۳. ویژگی‌ها و نقش متن در فهم
۲۶۵.....	قاعده عقلایی لزوم جست‌وجوی قراین
۲۶۶.....	نتیجه‌گیری

بخش چهارم: اصول منطق فهم یا قواعد گفتمان عقلایی

۲۶۹.....	درآمد
۲۷۵.....	عقلایی بودن قواعد گفتمان
۲۷۷.....	فصل چهاردهم: امکان و چگونگی دستیابی به واقعیت از راه فهم متون
۲۷۷.....	مقدمه
۲۷۸.....	یقین‌بخش بودن دسته‌ای از دلیل‌های لفظی
۲۷۹.....	۱. قواعد مربوط به سند
۲۸۰.....	تمایز دانش رجال و تراجم
۲۸۱.....	تمایز دانش درایه با علم رجال
۲۸۲.....	۲. قواعد مربوط به جهت
۲۸۳.....	تقیه و گفتمان عقلایی
۲۸۴.....	نتیجه‌گیری
۲۸۷.....	فصل پانزدهم: منطق یا قواعد گفتمان عقلایی در ساحت متون؛ قواعد یا اصول لفظی

۲۸۷	مقدمه
۲۸۸	چگونگی کاربرد قواعد گفتمان عقلایی
۲۹۰	استقلال یا عدم استقلال اصول لفظی
۲۹۱	امارات عقلایی
۲۹۳	اعتبار یا حجیت ظواهر
۲۹۶	گستره اعتبار ظواهر و دیگر امارات عقلایی
۲۹۶	نتیجه‌گیری
۲۹۹	فصل شانزدهم: منطق یا قواعد گفتمان عقلایی در ساحت متون؛ قواعد ادبی
۲۹۹	مقدمه
۳۰۰	واژه‌شناسی
۳۰۲	مجاز، مشترک لفظی، منقول و مرتجل
۳۰۳	قرینه؛ گونه‌ها
۳۰۴	قراین متصل و منفصل؛ نظریه برگزیده
۳۰۶	قراین مقامی
۳۰۶	قرینه سیاق
۳۰۹	قرینه‌ها و فهم متن
۳۱۰	نتیجه‌گیری
۳۱۳	فصل هفدهم: منطق یا قواعد گفتمان عقلایی در ساحت متون؛ دلالت منطوقی و مفهومی
۳۱۳	مقدمه
۳۱۴	تعریف و اقسام دلالت
۳۱۵	دلالت لفظی
۳۱۵	طبقه‌بندی دلالت لفظی
۳۱۷	نظام جامع تقسیمات دلالت لفظی
۳۲۰	مفاهیم یا دلالت مفهومی
۳۲۲	لوازم و چگونگی ارتباط آنها با دلالت
۳۲۳	لوازم؛ چیستی و گونه‌ها
۳۲۵	بررسی و نقد
۳۲۸	گسترش قلمرو دلالت در اصول
۳۳۱	لزام در دلالت مفهومی یا مفاهیم
۳۳۳	قواعد عقلایی مرتبط با ساحت دلالت
۳۳۴	نتیجه‌گیری
۳۳۷	فصل هجدهم: مجمل و مبین و ارتباط آنها با استقلال معنا از مؤلف
۳۳۷	مقدمه
۳۳۷	تعریف مجمل و مبین
۳۳۹	گستره بحث درباره مجمل و مبین
۳۳۹	اقسام مجمل و مبین
۳۴۰	نسبی یا غیرنسبی بودن مجمل و مبین
۳۴۱	امکان رفع اجمال دلیل مجمل از راه دلیل مبین
۳۴۲	ارتباط مجمل و مبین با استقلال معنا از مؤلف

نتیجه‌گیری.....	۳۴۳
فصل نوزدهم: محکم و متشابه و ارتباط آنها با استقلال معنا از مؤلف.....	۳۴۵
مقدمه	۳۴۵
محکم و متشابه در لغت	۳۴۶
متشابه و نسبت آن با مجمل	۳۴۷
متشابه مفهومی و مصداقی.....	۳۵۰
کاربرد محکم و متشابه در قرآن کریم	۳۵۱
بررسی و ارزیابی	۳۵۳
عوامل پیدایش تشابه	۳۵۴
۱. ناتوانی صاحب سخن.....	۳۵۴
۲. معماگویی	۳۵۴
۳. تفهیم به افرادی ویژه.....	۳۵۴
۴. تفهیم به اندازه‌ای ویژه	۳۵۴
۵. جدایی فیود از گفتار یا نوشتار.....	۳۵۵
۶. متعالی بودن محتوا	۳۵۵
چگونگی رفع تشابه.....	۳۵۵
قواعد گفتمان عقلایی در ساحت متون متشابه.....	۳۵۷
نتیجه‌گیری	۳۵۷
پیوست: نمونه‌های آیات متشابه.....	۳۵۹
فصل بیستم: زمینه؛ چیستی، گونه‌ها، قلمرو و نقش آن در گفتمان عقلایی	۳۶۱
مقدمه	۳۶۱
چیستی زمینه	۳۶۱
گونه‌های زمینه.....	۳۶۲
نسبت زمینه با سیاق	۳۶۳
زمینه‌های تاریخی و فهم مخاطبان	۳۶۶
زمینه از نگاه هرش.....	۳۶۷
نوع یا تیپ معنایی	۳۷۰
چیستی ژانر و گونه‌های آن	۳۷۲
نقش بنیادی ژانر در تفسیر	۳۷۵
ژانر درونی و بیرونی.....	۳۷۶
تعریف ژانر درونی	۳۷۸
نظریهٔ ویژهٔ هرش دربارهٔ چیستی زمینه	۳۷۸
تعریف ژانر بیرونی.....	۳۸۰
بررسی و نقد	۳۸۱
۱. نادرستی تعمیم زمینه به اجزای بنیادی متن	۳۸۱
۲. بطلان تحلیل دربارهٔ چگونگی دستیابی مؤلف به کلیت معنا.....	۳۸۱
۳. بی‌اعتباری تحلیل دربارهٔ چگونگی دستیابی مفسر به کلیت معنا.....	۳۸۲
۴. تحلیل برگزیده در باب چگونگی دستیابی مؤلف به کلیت معنا.....	۳۸۲
۵. امکان تفسیر بدون توجه به کلیت معنایی و ژانر درونی.....	۳۸۴

۳۸۴	۶. گُسل در تقریر جای‌گزین از حلقهٔ هرمنوتیک
۳۸۶	۷. نادرستی ادعای تعیین یافتن بخشی از زمینه با مفسر
۳۸۶	نتیجه‌گیری
۳۸۹	فصل بیست و یکم: قواعد فهم: قواعد مربوط به مخاطب یا مفسر؛ تفسیر به رأی
۳۸۹	مقدمه
۳۸۹	چیستی تفسیر به رأی
۳۹۰	نهج البلاغه و نکوهش تفسیر به رأی
۳۹۱	تمایز یا عدم تمایز تفسیر به رأی در کلام خدا و کلام خلق
۳۹۲	بررسی و ارزیابی
۳۹۴	گونه‌های تفسیر به رأی
۳۹۶	اخباریان و حمل لفظ بر ظاهر
۳۹۶	پاسخ جدید
۳۹۷	وجه نادرستی تفسیر به رأی
۳۹۸	نتیجه‌گیری
۳۹۹	فصل بیست و دوم: رابطهٔ گفتمان عقلایی با تفسیر یا تأویل باطنی
۳۹۹	مقدمه
۴۰۰	واژه‌شناسی تأویل
۴۰۱	رابطهٔ تفسیر، تأویل قرآنی و تأویل عرفانی
۴۰۲	چیستی تفسیر و تأویل دینی
۴۰۴	تفسیر متعارف و تفسیر باطنی
۴۰۵	تأویل عرفانی و تمایز آن با تنزیل
۴۰۷	نتیجه‌گیری
۴۰۹	فصل بیست و سوم: گفتمان عقلایی، تأویل باطنی و چگونگی وضع واژگان
۴۰۹	مقدمه
۴۰۹	چگونگی وضع واژگان
۴۱۰	وضع واژگان از نگاه دانش تفسیر و اصول
۴۱۱	وضع واژگان از نگاه دانش عرفان
۴۱۴	راهبردی نوین در باب چگونگی وضع واژگان
۴۱۶	رابطهٔ نظریهٔ استاد مصباح با دیدگاه عرفا
۴۱۹	نتیجه‌گیری
۴۲۳	فصل بیست و چهارم: تعارض ادله و راه‌حل آن از نگاه منطق فهم متون
۴۲۳	مقدمه
۴۲۷	چیستی تعارض
۴۲۷	تمایز تراحم و تعارض
۴۲۹	گونه‌های تعارض
۴۲۹	اقسام دلیل نقلی
۴۳۱	اقسام دلیل‌های عقلی و تجربی
۴۳۲	طبقه‌بندی اقسام تعارض

۴۳۲.....	تعارض غیرمستقر
۴۳۵.....	تعارض مستقر
۴۳۵.....	تعارض دلیل‌های غیرلفظی با یکدیگر
۴۳۵.....	تعارض دلیل‌های غیرلفظی با دلیل‌های لفظی
۴۳۶.....	تعارض دلیل‌های لفظی با یکدیگر
۴۳۹.....	راه‌حل بر پایه مبنای برگزیده
۴۴۰.....	گستره تعارض
۴۴۱.....	تعارض دو عام من‌وجه
۴۴۳.....	نتیجه‌گیری
۴۴۵.....	فصل بیست و پنجم: تعارض ادله و اختلاف در فهم؛ تمایزها، عوامل و دستاوردها
۴۴۵.....	مقدمه
۴۴۶.....	تعارض و اختلاف در فهم
۴۴۷.....	منشأ پیدایش تعارض ادله
۴۴۸.....	۱. تقیه
۴۴۸.....	۲. تحریف در روایات
۴۴۹.....	۳. تقطیع روایات و حذف قرینه‌ها
۴۵۰.....	۴. نقل به معنا
۴۵۰.....	۵. بی‌توجهی به معانی واژگان عصر نزول و تحمیل معانی عصری بر روایات
۴۵۱.....	طبقه‌بندی عوامل اختلاف در فهم متون
۴۵۲.....	عوامل بینشی
۴۵۸.....	عوامل گرایشی
۴۵۹.....	عوامل روشی یا روش‌شناختی
۴۶۰.....	دست‌آورد پژوهش در باب عوامل تعارض ادله و اختلاف فهم
۴۶۱.....	نتیجه‌گیری
۴۶۳.....	پیوست: آسیب‌شناسی فهم و روش تفسیر
۴۶۳.....	طبقه‌بندی آسیب‌ها
۴۶۷.....	منابع

نمایه‌ها

۴۷۵.....	اصطلاحات و موضوعات
۴۸۳.....	نام‌ها
۴۸۵.....	مجموعه آثار نگارنده

سخن آغازین

نیاز گستردهٔ جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به متون علوم انسانی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی‌کاری جلوگیری شود. از این رو، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه و مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران برای نیل به اهداف یادشده، نخستین کار مشترک خود را با عنوان معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون به جامعهٔ علمی تقدیم می‌کنند.

کتاب پیش روی، که با تلاش پژوهشگر ارجمند، جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد حسین زاده یزدی نگارش یافته، پژوهشی است معرفت‌شناختی در ساحت زبان و بیان، فهم و تفسیر یا هرمنوتیک که به منظور واکاوی قواعد یا منطق فهم متون یا معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی سامان یافته است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعهٔ دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلف گرامی اثر، و نیز از جناب استاد عبدالرسول عبودیت که با مطالعه و ارائهٔ نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، سپاسگزاری کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با نام و یاد پروردگار علیم و آفریدگار حکیم، و حمد و سپاس او، و تقدیم شایسته ترین درودها به پیشگاه اشرف انبیا و خاتم پیامبران الهی، حضرت محمد ﷺ، و جانشینان معصوم ایشان ﺍﻟﻤَﺘَﺤِیَﺔِ، به ویژه خاتم اوصیا، حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مقدمه نگارنده

معرفت‌شناسی و نیز منطق به ساحت ذهن یا مفاهیم و قضایای ذهنی اختصاص ندارد؛ بلکه قلمرو الفاظ و عالم بیان را نیز دربر می‌گیرد. همان‌گونه که در ساحت مفاهیم و قضایای ذهنی، گونه یا گونه‌هایی معرفت‌شناسی و منطق تدوین شده است، و همان‌گونه که در ساحت واقعیت‌های عینی، معرفت‌شناسی حضوری قابل‌تصویر است، در ساحت زبان، بیان و ارائه نیز گونه‌ای معرفت‌شناسی قابل‌ترسیم است که آن را معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون می‌نامیم. سوفیست‌های یونان باستان نیز این مسئله را کانون توجه قرار داده و افراطی‌ترین آنها در برابر آن چنین موضع‌گیری کرده‌اند: واقعیتی وجود ندارد؛ اگر هم وجود داشته باشد، نمی‌توان آن را شناخت؛ و حتی اگر قابل‌شناختن نیز باشد و بتوان بدان معرفت یافت، قابل‌بیان و ارائه نیست.

در برابر آنان، دیدگاه واقع‌گرایان این است: واقعیتی فی‌الجمله وجود دارد و این خود اصلی بدیهی، تردیدناپذیر و مطابق با واقع است که از علم حضوری و شهودی همگانی مانند علم حضوری به خویش، حالات نفسانی، افعال جوانحی و قوای ادراکی برخاسته است. افزون بر آن، می‌توان واقعیات و اشیای واقعی را به گونه‌ای حضوری و حصولی شناخت و در ساحت وجود لفظی و ظرف زبان آنها را توصیف، بیان و ارائه کرد.

نگارنده، افزون بر طرحی مسئله‌محور که نتیجه آن کاوش‌های پنج‌گانه در معرفت‌شناسی است، به پژوهش‌هایی تطبیقی در مسائل معرفت‌شناسی نیز پرداخته است. دستاورد مطالعه و پژوهش تطبیقی در رویکرد مبتنی بر فلسفه تحلیلی، کتاب پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر و نیز کتاب موجه یا مدلل‌سازی از نگاه معرفت‌شناسی معاصر است.

افزون بر دو طرح کلان پیش‌گفته، مجموعه جامع و فراگیر دیگری که در آن اصلی‌ترین مباحث و مسائل بنیادین معرفت‌شناسی دینی طرح شده، فراهم آمده است. کتاب معرفت لازم و کافی در دین نخستین دفتر آن مجموعه است و کتاب معرفت دینی؛ عقلانیت و منابع، دفتر دوم آن، و کتاب نگاهی معرفت‌شناختی به وحی، الهام، تجربه دینی و عرفانی و فطرت، دفتر سوم آن مجموعه است.

اکنون در ادامه پژوهش‌های مسئله‌محور در قلمرو معرفت‌شناسی، نگارنده مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل ناظر به معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون را کانون توجه قرار داده و درباره آنها به کاوش و پژوهش پرداخته است. بدین‌سان، نوشتار پیش‌رو، پژوهشی است معرفت‌شناختی در ساحت زبان و بیان، فهم و تفهیم که به منظور تألیف قواعد معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی یا منطق فهم متون سامان یافته است. این نگارش از این‌رو بود که پس از سال‌ها پژوهش در حوزه علوم عقلی، به‌ویژه معرفت‌شناسی و فلسفه دین، و کاوش و تأمل در قلمرو علوم نقلی، به‌ویژه دانش اصول و تفسیر، بدین نتیجه رسیدم: همان‌گونه که معرفت‌شناسی در ساحت هستی و نیز در قلمرو ذهن یا مفاهیم و قضایای ذهنی گردآوری و تدوین شده و سامان یافته است، لازم است در ساحت زبان و در مرحله ارائه و تفهیم نیز معرفت‌شناسی زبان یا منطق گفتمان و بیان فراهم شود. بدین‌منظور به پژوهش پرداختم و با استفاده از دستاوردهای ژرف و برجسته در منطق، معرفت‌شناسی، اصول، تفسیر، علوم قرآنی، حدیث‌شناسی، رجال و درایه به این کار مهم اقدام کردم.

پیش از پژوهش درباره قواعد معرفت‌شناسی گفتمان عقلایی، لازم است مسائلی از این دست کاویده و بررسی شوند: هدف اصلی زبان چیست؟ آیا هدف اصلی آن توصیف واقعیت است یا صرفاً انتقال پیام، معنا و مقصود صاحب‌سخن؟ آیا زبان افزون بر اینکه در عرصه فهم و انتقال معنا و مقصود صاحب‌سخن نقش دارد، در پیدایش آن نیز اثرگذار است؟ آیا زبان، کارکردی واحد دارد یا اینکه کارکردهایش گوناگون است؟ رابطه معنا، زبان و واقعیت چیست؟ در نوشتار کنونی پس از طرح این‌گونه مباحث به اختصار به راه‌حل آنها می‌پردازم؛ هرچند پژوهش تفصیلی درباره این‌گونه مباحث، مستلزم تألیف چند جلد کتاب است.

شمای کلی نوشتار پیش‌روی

گرچه لازم است به نوشتار پیش‌رو و فصل‌های گوناگون آن نگاهی گذرا بینکنیم، از آنجا که در نتیجه‌گیری، چکیده هر فصل را نیز می‌آوریم، طرح دوباره آن، بیش از آنچه مطرح شده

است، لازم نمی‌نماید. پس در اینجا تنها شمای کلی یا دورنمایی از بخش‌ها و فصل‌های آن را ارائه می‌کنیم.

پژوهش کنونی در چهار بخش و هر بخش در چند فصل تنظیم شده است. مسئله اصلی این نوشتار که عمدتاً در بخش پایانی در دوازده فصل کانون توجه قرار گرفته، پرداختن به مهم‌ترین قواعد منطق فهم متون یا اصول گفتمان عقلایی است. برای اینکه قواعد یا اصول مشترک میان عقلا را بکاویم، پیش از هر چیز لازم است به تعریف واژگان کلیدی پردازیم و نگاهی هرچند گذرا به مبانی منطق فهم متون، اعم از گفتار و نوشتار، منابع و روش‌های فهم و رابطه زبان با معنا و فهم بیفکنیم.

بدین ترتیب، در بخش نخست، پس از تعریف واژگان کلیدی، مهم‌ترین مبانی منطق فهم متون را می‌کاویم. مبانی معرفتی نظریه‌ها در ساحت فهم یا تفسیر، بنابر استقرا عبارت‌اند از: مبانی معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و زبان‌شناختی. در این بخش به بیان مبانی نظریه برگزیده در ساحت فهم یا تفسیر و دیگر نظریه‌های همگن می‌پردازیم و نگاهی گذرا به مبانی تأثیرگذار در دانش منطق فهم می‌افکنیم.

بخش دوم به منابع و روش‌های فهم اختصاص دارد. گرچه این دو مبحث بسیار گسترده‌اند، از آنجا که در کاوشی دیگر به تفصیل درباره راه‌ها یا منابع معرفت و در پژوهشی دیگر در باب روش‌شناسی تحقیق و شیوه‌های پژوهش بحث کرده‌ایم، در اینجا به نگاهی گذرا بسنده می‌کنیم. در ادامه مسئله وحدت یا تغایر روش پژوهش در علوم طبیعی و علوم اجتماعی یا علوم انسانی را که از مسائل اساسی روش‌شناسی پژوهش در علوم انسانی و علوم طبیعی است، نسبتاً به تفصیل طرح و بررسی می‌کنیم.

در بخش سوم به فهم، زبان، معنا و پیش‌فرض می‌پردازیم. ذیل مبحث رابطه لفظ یا زبان با معنا و فهم، مسائل متعددی قابل طرح است. در اینجا، مسئله حقیقت معنا و نظریه برگزیده در این ساحت را تبیین می‌کنیم و در ادامه به مسئله معناداری کارکردهای گوناگون زبان، به‌ویژه بُعد معرفت‌بخشی و واقع‌نمایی آن نیز می‌پردازیم. سپس مسئله التفاتی یا قصدی بودن معنا را نیز کانون توجه قرار می‌دهیم. قصدی و التفاتی دانستن معنای متن، پیامدهایی دارد که مردود شمردن استقلال معنایی متن از جمله اساسی‌ترین و مهم‌ترین آنهاست. دیگر پیامدش نیز این است که معنای لفظی متن بر آگاهی مؤلف مبتنی است.

در ادامه این بخش به طبقه‌بندی نظریه‌های هرمنوتیکی، تبیین نظریه هرمنوتیکی برگزیده و اصول و پیامدهای آن می‌پردازیم. سپس نقش اراده مؤلف در ساماندهی و فهم متن، قاعده‌ابتنای فهم یا دلالت بر اراده یا نیت را که معمولاً در کتاب‌های اصول تحت عنوان «الدلالة تابعة للإرادة» مطرح شده است، می‌کاویم. مسئله‌ابتنای فهم یا دلالت بر اراده یا نیت، نقش اراده مؤلف را در ساماندهی متن و بلکه فهم آن هموار می‌سازد.

در پایان بخش سوم، جایگاه یا نقش ویژگی‌های مفسر، متن و مؤلف را در فهم متون بررسی می‌کنیم و به اختصار به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم: مفسر چه نقشی در فهم و تفسیر متن دارد؟ آیا پیش‌دانسته‌ها و گرایش‌های او برای فهم متن و تفسیر آن و دریافت پیام مؤلف نقشی دارند؟ آیا ویژگی‌های متن و شخصیت مؤلف و ویژگی‌های مخاطب در فهم و تفسیر متون تأثیر دارند؟

بخش چهارم که بخش اصلی نوشتار است به قواعد گفتمان عقلایی یا اصول منطق فهم متون اختصاص دارد. در این بخش به پژوهش در باب قواعد گفتمان عقلایی می‌پردازیم. گفتمان، همان وجود لفظی ادراکات و بیان یا ارائه معانی مقصود است، و مفاهمه حاصل از آن، فرایندی است مبتنی بر سه مؤلفه یا سه ضلع متن، مؤلف و مفسر که تا هر سه مؤلفه‌اش تحقق نیابند، مفاهمه صورت نمی‌گیرد. از آنجا که فهم و برداشت بر سه مؤلفه پیش‌گفته مبتنی است، قواعد مربوط به هر رکن یا مؤلفه را در سه محور طرح و بررسی می‌کنیم.

بدین ترتیب، ابتدا نگاهی گذرا به آن قواعد یا اصول می‌افکنیم و صرفاً مهم‌ترین آنها را برمی‌شماریم. سپس در هریک از فصل‌هایی که در این بخش عرضه می‌شوند، قاعده یا قواعدی را طرح و بررسی می‌کنیم؛ قواعدی که مربوط به متن‌اند (اعم از دلالت یا محتوا، سند و جهت)؛ قواعدی که نقش مؤلف و نیز قواعدی که نقش مفسر را در فهم و تفسیر تبیین می‌کنند. بدین ترتیب، فصل‌هایی که در این بخش عرضه می‌شوند، تجلیگاه همان قواعد یا اصول‌اند. مهم‌ترین آن قواعد از این قرارند:

۱. چگونگی دستیابی به واقعیاتی که زبان یا متون از آنها حکایت می‌کنند. برای دستیابی به هدف مزبور و یافتن قواعد عقلایی در این ساحت، لازم است متون را از جهت دلالت و سند و جهت بکاویم؛

۲. واکاوی قواعد یا اصول لفظی مرتبط با متن و اقسام آن؛
۳. چگونگی اعتبار امارات عقلایی در منطق فهم یا گفتمان عقلایی. بنای عقلا بر این است که چنین ادله‌ای که عرفاً و به نحو متعارف مفید اطمینان یا علم متعارف‌اند، معتبرند؛
۴. قاعده عقلایی اعتبار ظواهر. عقلا حکم می‌کنند که ظاهر واژگان مراد صاحب سخن است و او معنای ظاهری واژگان و هیئت ترکیبی آنها را قصد کرده و اراده جدی او با اراده استعمالی یکی است. از این رو، ظن به خلاف، مشکلی در روند یا جریان قاعده عقلایی مزبور ایجاد نمی‌کند؛
۵. تسلط بر زبان متن و قواعد ادبی آن. آشنایی با قواعد ادبی و به کارگیری درست آنها شرط لازم و - البته نه کافی - برای فهم درست متون‌اند؛
۶. توقف اعتبار معانی واژگان، لغات و الفاظ و بلکه معنای هیئت ترکیبی هر متنی بر عصر پیدایش و نگارش آن؛
۷. لزوم واکاوی معانی واژگان به کاررفته در متن و بررسی ویژگی‌های آنها. واژه‌ها، الفاظ، جملات و هیئت‌های ترکیبی آنها، افزون بر معانی حقیقی، در معانی مجازی یا کنایی به کار می‌روند. اگر صاحب سخن آنها را در معانی کنایی یا مجازی به کار برد، بر اساس قواعد عقلایی گفتمان لازم است قرینه‌ای اقامه کند. مفسر یا خواننده متن باید جست‌وجو کند و قراین احتمالی را بجوید. چنین قاعده‌ای، حکم عقلا در منطق گفتمان عقلایی است؛
۸. قاعده عقلایی برای مشخص کردن معنای مقصود در واژه‌هایی که مشترک لفظی‌اند و نیز معانی مجازی واژه‌ها، جملات و هیئت‌های ترکیبی این است که تعیین معنا در این‌گونه موارد بر قرینه مبتنی است. قرینه اقسام گوناگونی دارد؛
۹. لزوم توجه به همه دلالت‌ها برای فهم هر متن. از نگاه عقلا و منطق گفتمان عقلایی برای فهم یک کلام و تفسیر یک متن، افزون بر دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی، لازم است دلالت‌های دیگر مانند اقتضا، تنبیه یا ایما، اشاره و حتی دلالت مفهومی یا مفاهیم، اعم از مفهوم موافق یا مخالف، نیز کانون توجه قرار گیرند؛
۱۰. در ساحت دلالت و استعمال، از نگاه عقلا هیچ‌کس نمی‌تواند هر متنی را هرگونه که به نظرش می‌رسد معنا، تفسیر و فهم کند. هر معنایی، مدلول کلام نیست، بلکه معنایی مدلول کلام است که به یکی از اقسام دلالت که در منطق گفتمان عقلایی معتبر و مقبول است، مستند باشد؛

۱۱. از نگاه عقللا و منطق گفتمان عقلایی، متون، مؤلفه اصلی فهم و تجلیگاه و شکل‌دهنده معنای متن‌اند. در عین حال، مؤلف است که با انتخاب واژگان، جملات و هیئت‌های ترکیبی، معانی مقصود خود را در قالب آنها می‌ریزد و پیام خود را بدین‌گونه ارائه می‌کند. بدین ترتیب، برپایه این قاعده نیز به متن‌گروی مبتنی بر قصد مؤلف می‌رسیم که قرائت ویژه‌ای از امتزاج متن‌گروی و مؤلف‌محوری را ترسیم می‌کند؛
۱۲. مؤلف گاه به دلایلی مقاصد خود را در هاله‌ای از ابهام و اجمال قرار می‌دهد. او می‌تواند با گزینش واژگانی ویژه پیام خود را در قالبی مبهم و مجمل ارائه کند. البته شیوه رایج و معمول این است که وی مقاصد خود را در قالب واژگان، جملات و هیئت‌های ترکیبی روشن و مبین عرضه کند و برای معنا اجمالی در درون یا بیرون زبان قرار ندهد و در نتیجه معنای کلام او به روشنی فهم شود؛
۱۳. لزوم تلاش مفسر برای دستیابی به درک درست و مطابق با واقع بر اساس قواعد عقلایی گفتمان. اگر کلامی مبین است، مفسر باید آن را با استناد به ظهور متعارف و نوعی، فهم کند، و اگر مجمل است، بکوشد تا با ارجاع آن به دیگر عبارات‌ها و گفته‌های مبین صاحب‌سخن، معنای درست را که همان معنای مقصود است، دریابد و ذهنیت خویش را بر چنین متنی که مجمل است، تحمیل نکند؛ چنان‌که خودداری از دخالت دادن گرایش‌ها و امیال در برداشت‌های خود از کلام دیگران نیز امری بایسته است و منطق گفتمان عقلایی بر لزوم آن حکم می‌کند؛
۱۴. چگونگی برطرف ساختن تشابه متن یا دلیل از راه قاعده ارجاع متشابه به محکم؛
۱۵. لزوم جست‌وجو از قراین احتمالی برای مشخص ساختن مراد صاحب‌سخن، اعم از نویسنده یا گوینده، و لحاظ آنها برای فهم کلام از نگاه عقللا و منطق گفتمان عقلایی؛
۱۶. لزوم توجه به قراین تاریخی و نادیده نگرفتن نقش آنها در مشخص کردن متن و معانی مقصود مؤلف. اگر زمینه‌ها یا قراین تاریخی به حد ظهور برسند، نقشی تعیین‌کننده در فهم متن خواهند داشت؛
۱۷. اعتبار معنای به‌کاررفته در زمان پیدایش متن و نه دیگر معانی احتمالی یک متن. آشکار است که منظور از این قاعده این است: معیار اعتبار فهم هر متنی ظهور نوعی آن متن در عصر صدور آن است، نه فهم مخاطبان هر عصر؛

۱۸. ممنوعیت تفسیر به رأی. از نگاه منطق گفتمان عقلایی، تفسیر به رأی نه مُجاز و مشروع است و نه شیوه‌ای است درست که با آن بتوان به مقصود صاحب‌سخن دست یافت و پیام وی را دریافت کرد. ممنوعیت این کار به کلام ویژه‌ای اختصاص ندارد، بلکه همه گفتارها و نوشتارها را دربر می‌گیرد. دلیل آن بنا و سیره عقلاست؛

۱۹. ناتوانی از دستیابی به تفسیر باطنی از راه منطق گفتمان عقلایی و قواعد آن. تفسیر عرفانی یا تأویل باطنی دستیابی به معانی باطنی، در طول معانی ظاهری است؛ چنان‌که تفسیر در کاربرد رایج در منطق گفتمان عقلایی، دستیابی به معانی ظاهری است. دستیابی به معانی باطنی، هرچند آن معانی باطنی در طول معانی ظاهری باشند، به معنای دستیابی به بطون است، و دستیابی به بطون، مشغله‌ای فرامتعارف است و منطقی فرامتعارف دارد. از راه منطق گفتمان عقلایی و قواعد آن نمی‌توان به تفسیر باطنی دست یافت؛

۲۰. پرهیز از حمل همه واژگان بر معانی مادی هنگام فهم یا تفسیر؛ زیرا عقلاً شماری از واژگان، و البته واژگان کلی را در معانی فرامادی به‌کار می‌برند و از آنها مصادیق فراحسی اراده می‌کنند.

عقلایی بودن قواعد گفتمان یا منطق فهم: عقلاً در باب چنین قواعدی اتفاق نظر دارند. بلکه می‌توان گامی فراتر نهاد و گفت چنین قواعدی ارتکازی‌اند و عقلاً به گونه‌ای ارتکازی بدان‌ها معرفت دارند و برای فهم گفتارها، نوشتارها، محاورات یا گفت‌وگوها و کلام‌های یکدیگر ناآگاهانه آن قواعد را به‌کار می‌گیرند.

گرچه قواعد پیش‌گفته ارتکازی‌اند و عقلاً معمولاً به‌گونه‌ای ناخودآگاه آن قواعد را برای فهم متون به‌کار می‌برند، لازم است به دقت کانون توجه قرار گیرند. ارتکازی بودن آن قواعد ما را از واکاوی، تبیین، بررسی و تدوین آنها و نیز سامان دادنشان بی‌نیاز نمی‌کند. نادیده انگاشتن آنها فهم را در سرایشی لغزش قرار می‌دهد و مفسر یا خواننده متن را دچار بدفهمی و خطا در فهم می‌کند. به خواست پروردگار حکیم در بخش اخیر طی چند فصل قواعد طرح‌شده را کانون توجه قرار می‌دهیم و به کاوش و پژوهش درباره آنها می‌پردازیم.

در پایان از خداوند مَنَّان برای استاد فرهیخته و حکیم فرزانه، علامه مصباح یزدی رحمته‌الله علو درجات مسئلت می‌کنم و اندوه مصیبت ارتحال آن استاد عظیم‌الشأن را با یادکرد محبت‌ها و الطافش فرو می‌نشانم. همچنین از برادر دانشمندم، استاد عبدالرسول

عبودیت که این نوشتار را مطالعه کردند و نکات سودمندی را یادآور شدند و نیز از همه کسانی که این جانب را در این راه یاری رساندند، به ویژه معاونت محترم پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، مدیر محترم تدوین متون، کارکنان این مدیریت، و سرویراستار ارجمند، جناب آقای علیرضا تاجیک که با دقتی تحسین برانگیز نوشتار را پیراستند، و نیز از مسئولان مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، صمیمانه تشکر می‌کنم.

محمد حسین زاده

۱۴۰۰/۰۳/۱۲